بسم الله الرحمن الرحيم

لحن سوالي خردسالان

کودکان تازه پا به دنياي بزرگ ما گذاشته­اند و دنیایی از سؤل­اند. لذا درباره هر چیزی سوال می­پرسند.

به طور کلي ميتوانيم مبحث سوال را دو قسمت کنيم: 1. سوالات ما ‌از ايشان ......2. سوالات ايشان از ما.

1. بسیاری از سوالاتی که کودکان می پرسند برای کنجکاوی ساده، جلب توجه، تقلید یا ایجاد ارتباط است، لذا لازم نیست پاسخ همه سوالاتشان را بدهیم و یا از بعضی پرسش­هایشان نگران شویم.

برخی سوالات جنبه فکری دارند و می­توان به سؤال عمومی تری تبدیل کرد:

مثلا اگر بپرسند: چرا ما توی این خانه زندگی میکنیم؟ میشود این سوال را ارتقا داد:

* خانه به چه جور جایی میگویند؟ زنده بودن یعنی چه؟ آدمها برای زندگی به چه چیزهایی نیاز دارند

یا بپرسند: چه لباسی برای من خوب/ بهتر است و اگر بپوشم همه ازم تعریف میکنن؟

میتوان پاسخ داد: - بهتر یعنی چه؟ خوب یعنی چه؟ لباس چه استفاده ای دارد؟ چه لباسی خوب و چه لباسی خوبتر است؟ آیا همه باید از ما تعریف کنند؟ آیا همه را میتوان راضی کرد؟

یا : مامان اینو میخری برام؟ چرا بخرم؟ چون همه دوستام از اینا دارن.

* مطمئنی که همه دارند؟ اگر چیزی را همه داشتند باید ما هم داشته باشیم؟ میشود همه چیز دنیا را خرید چون هر چیزی را بعضیها دارند؟

برخی سوالات هم فکری و گسترده نیستند و معمولا یک جواب مشخص دارد. مثل: جورابم را کجا گذاشتی؟ اندازه این فرش چند متر است؟ بابا کجا رفت؟

اما این نوع سوالات را هم میتوانیم بابی برای گفتگو و تأمل ساخته و الزاما پاسخ فوری ندهیم. مثلا: - جورابها را کجا بگذاریم بهتره؟ اگه گفتی چطوری میشه فرش رو متر کرد؟ یادته بابا گفته بودند که کجا میخوان برن؟

گاهی اگر نظریه ای مطرح میکنند میشود پاسخ داد: از کجا میدونی؟ یا از کجا فهمیدی؟

و گاهی اگر سوال فکری و فلسفی میپرسند میشود پاسخ داد: خودت چی فکر میکنی؟ (یا)... نظر خودت چیست؟ واقعا... راست میگیا... چی میتونه جواب این سوال باشه؟

البته بهتر است گاهی هم سوالاتی را فوراً پاسخ بدهیم تا احساس نکنند که هیچ پاسخ مشخصی دریافت نمی­کنند، اما گاهی هم از این نوع تعاملات فکری و کلامی داشته باشیم تا سوالات عامل گفتگوهای ارزشمند و عمیق و باعث تقویت کلام و تفکر ما و فرزندمان بشود.

* کودکان را نباید دعوت به طرح شبهه و ایراد گرفتن از موضوعات ارزشی و سوالات مربوط به خدا کرد، چرا که درک کاملی از موضوعات انتزاعی ندارند و هر چه بیشتر بگوییم، بیشتر دچار ابهام و فهم نادرست می­شوند.
* اگر کودکی به تبع شنیده­های خود از اطرافیان سوالی درباره خدا و افعال او می­کند می­توان حواس او را به موضوعات دیگری جهت داد و یا سوالات او را اصلاح کرد.
* مثلا: چرا خدا ما را آفرید است؟ - چطور مگه چی شده؟ - آخه چرا من اینقدر باید اینجا منتظر بمانم؟ ☺
* چرا خدا دست برای ما آفریده؟ - خودت چی فکر میکنی؟ - برای اینکه بتونیم با ان سیب برداریم و بخوریم.
* چرا خدا آدمها را آفریده؟ - بیا ببینم، بستنی میخوری یا بیسکوییت؟
* چرا خدا درختها را آفریده؟ - میتونی سوال­های بهتری بپرسی؟ میدانی که خدا صاحب همه جهان است و او همه چیز را بهتر از ما میداند؟

پس بهتر است بپرسیم: حالا که خدا درخت­ها آفریده است، چه استفاده­هایی از آنها میتوانیم بکنیم؟

نکته مهم- اگر کودکی در شرایط یا موضوعات خاصی بر سوال خود اصرار داشته و رها نکرد (سؤالی که نمی­خواهیم پاسخ بدهیم یا بهترین پاسخش را نمیدانیم) میتوان گفت: به زودی نزد یک شخص دانا، کتابخوان و مومن می­رویم و سوالاتمان را میپرسیم. رفتن نزد علما و پاسخ ندادن فوری به همه سوالات هم یکی از اموریست که بچه­ها می­توانند از بزرگترها یاد بگیرند.

گاهی هم می­توان پاسخ داد، بعداً که بزرگتر شدی بیشتر درباره اش مطالعه میکنی و یاد میگیری.

کتابی درباره پاسخ به پرسش­های کودکان درباره خدا به نگارش درآمده که در صدد است هر سوالی را با طول و تفصیل کامل پاسخ دهد. به نظر می­رسد که این درست­ترین کار ممکن نباشد.

 \* \* \*

در مواردی هم ما میتوانیم آغاز کننده سوال باشیم و توجه و نگاه جدیدی را ایجاد کنیم:

این سؤالات میتواند عامل تقویت بهتر دیدن، استدلال کردن، ارتباط برقرار کردن و دوست شدن، مشغول کردن بچه ها و جلوگیری از بی حوصلگی و بی­کار بودن، تقویت تفکر از ابعاد مختلف مثل خلاقیت، تفکر انتقادی، همدلی و درک کردن دیگران، مقایسه های درست، شنیدن آرزوهایشان، توجه یافتن به محیط و انسانهای پیرامون، نگاه کردن از زاویه ای دیگر و .... باشد.

مثلا مادر یا پدر میگوید: کوه ها را که میبینم حس خیلی خوبی به من میدهد، یاد چیزهای خوبی می افتم، یاد هوای تمیز، یاد جاهای بلند و بالاتر از زمین، ... شما کوه را که میبینی چه حسی پیدا میکنی؟ دوست داری از کوه بالا بروی؟ چرا؟ میخواهی آن بالا که رفتیم چه کارهایی بکنیم؟ .... حالا که بالای کوه هستیم، چند تا خانه میشود از اینجا دید؟ بنظرت توی هر خانه ای چه خبر است؟ میتوانی چند تایش را حدس بزنی؟ چند نفرشان ناراحت اند؟ چند نفرشان خوشحال اند؟ به چه دلایلی؟ میتوانی حدس بزنی؟

اگه گفتی چرا هوای این بالا خیلی بهتره؟ اگه تا ظهر میخوابیدیم بهتر بود یا اینکه زود بلند شدیم و تا اینجا آمدیم؟ چرا؟...

دوست داشتی جای کوه بودی؟ اگر جای او بودی چگار میکردی؟ دوست داشتی جای کی بودی؟ زمین؟ کوه؟ آسمان؟ خورشید؟... چرا؟

می­توان برای بچه­ها معما طرح کرد، حتی معماهایی که خودمان هم پاسخش را نمی­دانیم، اما آنها برایش جوابها خواهند داشت!

می­توانیم از بچه­ها بپرسیم: امروز چه بازی­هایی کردید؟ کدامش بهتر بود؟ چرا؟ چند تا بازی کردید؟ چه طوری این وسایل را درست کردید؟

یا وقتی که درباره اذیتهای بچه های دیگر شکایت می کنند بگوییم: بنظرت چرا اون این کار را میکند؟ بچه های دیگر با او چه میکنند؟ چطوری میتونی که راهنماییش کنی؟ چطور میتونی با او بیشتر دوست بشی تا او هم با تو مهربان تر باشد؟

باید توجه داشت که برخی از کودکان خصوصا کوچکترها درکی از شوخی ندارند و ممکن است برخی معماها و شوخی­ها را جدی بگیرند. مثلاً اگر به شوخی بپرسیم که اگر گفتی چطور میتوانی خودت را از پشت بام به پایین بیندازی، ممکن است واقعاً راه­هایی برایش حدس بزند و خود را به پایین پرت کند.

لازم به ذکر است، کودکان و بزرگترهایی که خلاقیت فکری دارند بیشتر شوخی میکنند و یا به شوخی­ها واکنش مثبت نشان می­دهند.

انواع سؤال:

سؤالات مهمولا از سه نوع چیستی، چرایی و چگونگی هستند. این چیه؟ و چرا این اینطوریه؟ زیاد پرسیده می­شود، اما پرسش از چگونگی و فرایند کمتر مورد توجه قرار میگیرد چون نیاز به تأمل و تفکر و روحیه جستجوگری دارد.

بیش از هر چیز باید خودمان و کودکان را به سمت سوالات درمورد چگونگی و فرایند شناسی سوق بدهیم.

**مراحل سنی تقویت لحن سؤالی:**

آدم­های بی فکر و بی سؤال از کنار هر موضوعی سریع رد می شوند و چیزی نظرشان را جلب نمی­کند.

وقتی یک بزرگسال یا یک کودک جستجوگر و اهل فکر، قیافه متفکرانه به خود می­گیرد چه شکلی می­شود؟

تمرکز بالا بر روی یک شیء و یا تلاش برای دریافت ارتباط چند شیء به شکلی پیگیرانه و متمرکز مشاهده می­شود. کودکان وقتی تمرکز می­کنند، آب دهانشان هم اغلب جاری است، اما به آن اهمیتی نمی­دهند!

 باید از طریق نوع عملکرد و نگاه خود دعوت به تمرکز روی اشیا و رویدادها و یافتن ارتباط آنها را تقویت کنیم.

کودک 5ماهه تا دوساله:

1. مقابل کودک مینشینیم و وسیله­ای را در دست میگیریم. کمی به آن زل می­زنیم.

آن را بر انداز می­کنیم. از ابعاد مختلف آن را می­بینیم. آن را کنار وسیله دیگری می­گذاریم. زود خسته نمی­شویم. باز هم به صورتهای دیگری ان دو را کنار هم حرکت می­دهیم تا بتواینم ارتباط بیشتری بین ان دو یا چند وسیله برقرار کنیم.

شاید چند قطعه لگو باشد که به شکل­های مختلفی داخل هم فرو می­روند،

و شاید چند قاشق با اندازه های مختلف یا چند مدادد رنگی و یک لوله جامدادی .... باشند

که به صورتهای مختلفی کنار هم قرار می­گیرند.

برای تقویت حس و لحن سوال، وقتی مقابل چشمان کودک هستیم و مثلا کنار ریشه­های فرش قرار می­گیریم، با تأمل و حوصله ریشه ها را صاف کنیم، حالا همه را به شکلی مرتب کج کنیم، حالا کمی فکر کنیم ومتمرکز شد و به آن باز نگاه کنیم، این بار مثلا دو تا دو تا، آنها را به هم پیچ بدهیم، و بار دیگر چند تا چند تا...

1. دو ورقه کامل برچسب تصاویر حیوانات را تهیه کنیم و آنها را از هم جدا کنیم. یک ردیف از تصاویر را از بالا تا پایین زیر هم قرار دهیم و برای چیدن ردیف دوم سعی کنیم که تصویر هر حیوانی کنار حیوان مشابه آن قرار بگیرد.

همین طور که روباه را کنار روباه و گوسفند را کنار گوسفند می­گذاریم خیلی عادی یک اشتباه بکیم. یعنی مثلا خرس را کنار گاو بگذاریم و بقیه را عادی ادامه بدهیم. همین طور که کودک دارد ما را نگاه می­کند نگاهی به ردیف­های حیوانات کرده و آرام بگوییم: عه، این باید اینجا باشه؟..... نه، بنظرم که باید برش دارم. و به جایش این یکی را بگذارم.... بهتر شد؟ بله درست شد.

(به این صورت تفکر کردن، سوال پیدا کردن، یافتن پاسخ آن بدون استرس و نگرانی، و ادامه دادن به ُکار را به او یاد می­دهیم.)

برای کودک 3و 4 ساله:

شرایطی را فراهم میکنیم که فکر کند و ناچار باشد موضوعاتی را کشف کند. اسباب بازی­های سالم و شکسته، وسایل دورریز بازیافتی مثل جعبه خالی دستمال، لوله مقوایی، قاشق و لیوان یکبار مصرف و ... را برایش میاوریم و با هم فکر میکنیم که با اینها چه کار می­شود کرد؟ قیافه در حال فکر کردن، عمیق شدن و کلمات سوالی ما را می­بیند و می­شنود:

* این چیه؟ ... با این چه کار میشه کرد؟ روش نقاشی کنم؟ روش کاغذ رنگی بچسبونم؟ یا دو تا از این وسایل رو به هم بچسیونم بهتره؟ این شکل چیه؟ برای چه کاری خوبه؟ حالا با روی هم گذاشتن این لیوانهای خالی میتونم یه ساختمون درست کنم؟
* گاهی هم میتوانیم از او سؤال بپرسیم: اگه گفتی با این پارچه ها چه کار میشه کرد؟ با این کامواها چطور؟

دوست داری ماشین سواری کنی؟ اگه گفتی چه جوریا میتونی ماشین سواری کنی؟

روی بالش ها.... روی بابا.... روی دوچرخه زرده.... روی این عصا هم میشه؟ چه جوری؟.... دیگه روی چیا؟

وقتی کودک میخواهد که وسایلی از منزل را در اختیارش قرار بدیهم معمولا جواب ما منفی است، دست نزن خراب میشه، اون مال تو نیست. اما میشود پرسید، آن را برای چه میخواهی؟ میتونی مواظب باشی که خراب نشه؟ با هم بیاریمش و کاری که میخواهی را انجام بدیم؟

میخواهی از این گندمهای خشک داخل گلدان یکیش را بهت بدهم تا ببینی و باهاش کاردستی­ات را درست کنی؟ یا میخواهی شکلش را نقاشی کنی؟ میخواهی قبل از نقاشی خوب لمس و نگاهش کنی؟ دوست داری گلبرگی از این گل را پشت پلکهایت بکشی و حس کنی که چه حالت نرمی داره؟

کودک 5 و 6 ساله:

بچه ها در این سنین کلمات بیشتری در اختیار دارند و میشود درباره کاربردهای اشیا از ابعاد مختلف با انها صحبت کرد و از آنها خواست که سوال بپرسند یا سوالاتی از ایشان پرسید. سوالاتی در باب مقایسه اشیا، حسی که برایشان دارد، از دیدن ان یاد چی می افتند؟ شکل چی هست؟ چطور درست شده؟ می شود ان را طور دیگری درست کرد؟ می شود آن را تغییری داد؟ و ... همچنین معماهای مختلف و ساده را می­توان برایشان مطرح کرد و آنان نیز کم کم شروع به ساختن معما می­کنند.

این سوالات می­توانند با هدف تقویت ابعاد مختلفی از تفکر مطرح شوند اما یکی از هدفهای اصلی، تقویت توان تکلم و استفاده از کلمات بیشتر و کاملتر و خوب دیدن و خوب شنیدن و واکنش و تفکر داشتن نسبت به پدیده ها و رویدادهاست. انس گرفتن با سوالات متنوع و بررسی و کشف موضوعات در صورتی حاصل می شود که والدین بدون سرکوب کردن سوالات ایشان، بعضی را با سوالات دیگری پاسخ دهی کنند، و بعضی که لازم نیست را به سمت و سوی سوالات بهتری سوق دهند.

مثال: مامان کاغذ از چی درست شده؟

* اگه گفتی از چی؟
* پارچه؟... کتاب... گل...؟ پس چی؟
* داری نزدیک میشی... از چوبهای درختان... حالا اگه گفتی چرا باید از کاغذها و کتابها بهتر استفاده کنیم تا پاره و خراب نشوند؟
* مربی میتواند قصه ای را برای بچه ها بخواند و از آنها بخواهد که به مطالب آن خوب گوش یدهند و بعد از هر صفحه سوالاتی که برایشان مطرح میشود را بپرسند. مربی قول نمیدهد که جواب همه سوالات را بدهد و فقط برای تمرین سوال کردن از آنها یخواهد از ابعاد و انواع مختلف سوالات استفاده کنند.

بهتر است که سوال هر کسی را با مداد پاستل رنگی روی کاغذ بزرگی که به دیوار زده بنویسد و اسم کودک را مقابل آن بنویسد.

در نهایت از آنها بپرسد که میخواهند پاسخ کدام سوال را معلم بدهد؟ یا اینکه خود مربی سوالی را که فرایندی تر و مربوط به چگونگی است را انتخاب کرده و پاسخ دهد.

این تمرینات و مواردی دیگر از این دست میتوانند از طریق انواع سوالی برای کودکان به تقویت لحن پرسشگری و اهداف مربوط به آن بپردازند.